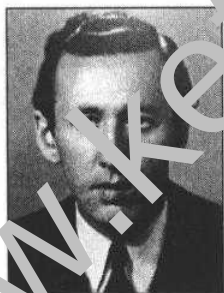


آیا دُچارِ عشق شده‌ام؟!

[عاشقانه‌های اورهان ولی]

برگردان: ابوالفضل پاشا



انتشارات سرزمین اهورایی
WWW.AHOORAPRESS.COM

سرداشده
 ولی، اورهان، ۱۹۱۴ - ۱۹۵۰ م
 Vali, Orhan
 عنوان و نام پدیدآور: آیا دچار عشق شده‌ام؟ شعرهای عاشقانه‌ی اورهان ولی/ ترجمه‌ی ابوالفضل پاشا
 مشخصات نشر: تهران: سرزمین آهورا، ۱۳۹۵
 مشخصات ظاهری: ۱۰۰ ص.
 شابک: ۹۷۸۶۰۰۶۷۹۲۸۳۰۵
 وضعیت فهرست نویسی: فیا
 یادداشت: عنوان دیگر: آیا دچار عشق شده‌ام؟ عاشقانه‌های اورهان ولی
 عنوان دیگر: آیا دچار عشق شده‌ام؟ عاشقانه‌های اورهان ولی
 موضوع: شعر ترکی استانبولی -- قرن ۲۰ م
 موضوع: Turkey -- Turkish poetry -- ۲۰th century
 موضوع: شعر ترکی استانبولی -- قرن ۲۰ م -- ترجمه شده به فارسی
 موضوع: Turkey -- Turkish poetry -- Translations into Persian -- ۲۰th century
 سندسه افزوده: پاشا، ابوالفضل، ۱۳۲۵ - مترجم
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۵/۸/PL۲۳۸
 رده بندی دیویی: ۳۵۱۱/۸۹۴
 شماره کتبی: ۲۴۱۲۰۶۵

عاشقانه‌های اورهان ولی		آیا دچار عشق شده‌ام		برگردان ابوالفضل پاشا	
شعر جهان		تیراژ: ۵۰۰ جلد		انتشارات سرزمین آهورا	
خدمات فنی		سی‌وشت		مدیر هنری و طراح گرافیک: مجید ضرغامی	
کاتون تبلیغاتی آهورا		قیمت: ۹۰۰۰۰ ریال		چاپ و صحافی: خانه‌ی چاپ-ان	
انتشارات سرزمین آهورایی		دفتر مرکزی: ۲۲۸۶۶۸۵۹		پخش: ۲۲۸۸۲۰۱۱	
christian schloe		طرح‌چندر اسمیرنفسکی		نوبت چاپ: اول	
WWW.AHOORAPRESS.COM		INFO@AHOORAPRESS.COM			

- ۱۹ ؟؟؟
- ۲۰ ای درخت من
- ۲۱ ای دندان طلای من!
- ۲۲ از توضیح آن عاجزم
- ۲۳ آرزوها و خاطره‌ها
- ۲۵ جدایی
- ۲۶ نخستین بامدادهای بهار
- ۲۸ سردرد
- ۲۹ مفت
- ۳۰ هـ زیبا به بیابان
- ۳۳ حقیقت چیست
- ۳۴ یک باره
- ۳۶ حشره‌ها
- ۳۷ رها کردن این شهر
- ۳۹ شعر موجین دار
- ۴۰ هزار مرتبه شکر
- ۴۱ محمود سهل انگار
- ۴۳ دعوت
- ۴۴ شعر سوراخ دار
- ۴۵ دریا
- ۴۷ برای آرزومندان دریا
- ۴۹ عتیقه‌ها را می‌خرم
- ۵۰ بچه‌ی بد
- ۵۱ به سوی شهر «گملیک»
- ۵۲ سایه‌ی من
- ۵۳ به هنگام عبور از کوچه
- ۵۴ آفتاب
- ۵۶ اوضاع مساعد
- ۵۷ عازم جنگ
- ۵۸ کوچ

۶۰	به سوی آزادی
۶۲	خیال باطل
۶۳	در داخل
۶۴	در محاصره
۶۵	چیزی به سان شراب
۶۶	انسان‌ها
۶۷	خودکشی
۶۸	ترانه‌ی استانبول
۷۰	به استانبول گوش سپرده‌ام
۷۳	داری که باشم
۷۴	سنگ نوشته‌ی روی قبر
۷۷	مهرقه در دار
۷۸	پرنده ابر
۷۹	شعر دُم‌دار
۸۰	واقعۀ
۸۲	مهمان
۸۳	چهار قدر زیباست
۸۴	شب‌های یک‌شنبه
۸۵	مقدار زیاد
۸۶	آسایش
۸۷	خواب
۸۸	ولنگ و واز
۸۹	آیا دچار عشق شده‌ام؟
۹۰	به خاطر شماست
۹۲	ای دست چپ‌ام
۹۳	صدای قطار
۹۴	به خاطر وطن
۹۵	شعر تنهایی
۹۶	زندگی
۹۵	سربالایی

اورهان ولی Orhan Veli نام کامل اورهان ولی کانیک Orhan Veli Kanik یکی از نوای شعر ترکیه است. البته احتمال دارد شما تعدادی از شعرهای او را در این مجموعه یا سایر مجموعه‌ها بخوانید و از این که به او را باغچه قلم داد کرده‌ام تعجب کنید! به ویژه این که اورهان ولی شعرهایی ساده و سراسر دارد و معمولن پیچیدگی خاص سر را در او دیده نمی‌شود. البته یکی از نشانه‌های نبوغ اورهان ولی در همین ظاهر ساده‌ی شعرهای اوست و مسلمان همه‌ی این‌ها نیاز به توضیح دارد که در ادامه به اقتضای هر یک از مطالب بیان خواهیم کرد؛ پس اکنون برای نتیجه‌گیری بهتر و دقیق‌تر، یک‌بار دیگر در جمله‌ی آغازین این گفتار تأمل می‌کنیم: اورهان

ولی یکی از نوابخ شعر ترکیه است.

این جمله‌ی نسبتن کوتاه، سه رکن اصلی دارد: ۱. اورهان ولی
۲. نوابخ ۳. شعر ترکیه. اگر هر یک از این ارکان را بدون توجه
به رکن یا ارکان دیگر در نظر بگیریم، قدر مسلم، تعجب ما -
که در آغاز این گفتار بدان اشاره کردم - منطقی و موجه خواهد
بود، اما نکته‌ی مهم همین است که نبوغ هر نابغه‌ی به زمان و
مکان زیستی او وابستگی تام و تمام دارد که البته نبوغ اورهان
ولی نیز بر این قاعده مستثنا نیست.

ولی توضیح بیش‌تر باید تأکید کنم که نبوغ هر یک از
چهره‌های بزرگ در زمان و مکان خود او معنا می‌پذیرد. مثالی
می‌زنم: سماتاردانات می‌شوی و کلید برق را فشار می‌دهی و
به همین راحتی، انرژی را از روشنایی می‌شود؛ امروزه هیچ‌کس
- و حتی توماس ادیسون - با این نام دادن این کار، نابغه به شمار
نخواهد آمد اما به یاد بیاوریم که وقتی ادیسون برای اولین بار
توانست برق را به جریان درآورد، این روشنایی را به هنگام
شب به مردم هدیه کند، نبوغ او معنا پیدا می‌کند. هر یک از
پدیده‌های دیگر نیز مشمول همین قاعده است. ما امروزه رادیو
را روشن می‌کنیم و به راحتی صدایی در محیط پخش می‌شود
اما به یاد بیاوریم که وقتی گوگلی‌المو مارکونی Guglielmo
Marconi برای نخستین بار توانست این صدا را پخش کند
متوجه نبوغ او می‌شویم. باز هم تأکید می‌کنم که نبوغ هر کسی
با توجه به زمان و مکان زیستی او معناپذیر است؛ در نتیجه ابتدا
باید زمان و مکان زیستی اورهان ولی را در نظر بگیریم و بعد
متوجه نبوغ او شویم.

اورهان ولی عمر نسبتن کوتاهی داشت. او زبان فرانسه را می‌دانست و از نخستین مترجمانی بود که نمونه‌هایی از هایکوی ژاپنی را به ترکی ترجمه کرد. اورهان ولی توانست در شعر ترکیه تحولی بنیادین ایجاد کند. اگر او عمر بیشتری داشت مسلم بدانیم که کار او نتایج بهتری را به دنبال می‌آورد. با همه‌ی این‌ها او در ۳۶ سال عمر خود توانست شعر ترکیه را به میان مردم بیاورد و از این دیدگاه موجب تحول در شعر آن

مردم ترکیه تا قبل از آن که دوره‌ی به اصطلاح «جمهوریت» را تجربه کند زبانی ساده و به دور از مظاهر جدید را سپری می‌کردند و مثل بسیاری از ملل مشرق زمین، از مفاهیمی مثل قانون، وطن و آزادی بی‌خبر بودند اما با رسیدن به این دوره، همه‌ی شئون زندگی آن - و از جمله زبان و خط و ادبیات‌شان - متحول شد. تا پیش از آن دوره، زبان ترکی استانبولی پر از واژه‌های زبان‌های غربی به ویژه فارسی و عربی - بود. به علاوه این زبان را با خط عربی می‌نویشتند که با توجه به مصوت‌های متعدد این زبان، به کارگیری این خط به هیچ وجه کارایی مناسب را نداشت. اجازه بدهید برای روشن شدن مطلب توضیح بدهم و مثال بزنم: ما در زبان عربی دو نوع مصوت داریم؛ مصوت‌های کوتاه مثل فتحه، کسر، و ضمه؛ و مصوت‌های بلند مثل حرف «آ»، حرف «او» و حرف «ای». این تقسیم‌بندی کاملن کمی‌ست و تفاوتی بین حروف «او» - مثلاً در کلمات زود، انبوه و آموزش - وجود ندارد. اما

تقسیم‌بندی مصوت‌ها در زبان استانبولی کیفی‌ست و از چند دیدگاه یا از چند منظر، مصوت‌ها را تقسیم می‌کنند. یکی از این تقسیم‌بندی‌ها بر این اساس است که آیا مصوت مورد نظر از قسمت جلوی دهان ادا می‌شود یا از قسمت انتهایی دهان؟ مصوت‌هایی را مثل e, i, ö, ü

که از قسمت جلویی دهان ادا می‌شوند مصوت‌های پیشین می‌گویند و مصوت‌هایی را مثل a, ı, o, u که از قسمت انتهایی دهان ادا می‌شوند مصوت‌های پسین می‌گویند. برای تمایز بین مصوت‌ها از مصوت‌های پسین و مثلن در کلمه‌ی kutlu به معنی خوش‌بخت با مصوت ü از مصوت‌های پیشین و مثلن در کلمه‌ی hütlü به معنای همه یا کامل، شکل نوشتاری مصوت «او» به تنهایی کافی نیست و حتمن باید به هنگام نگارش، بین شش نوشتاری این دو مصوت تمایزی قایل شویم. این تمایز بین مصوت o از مصوت‌های پسین و مثلن در کلمه‌ی zor به معنای شوار با مصوت ö از مصوت‌های پیشین و مثلن در کلمه‌ی söz به معنای حرف به همین شکل تکرار می‌شود و مصوت ضمه - به تنهایی - نمی‌تواند این تفاوت را مشخص کند. به علاوه این تمایز بین مصوت 1 از مصوت‌های پسین و مثلن در کلمه‌ی sıcak به معنای گرم با مصوت i از مصوت‌های پیشین و مثلن در کلمه‌ی bir به معنای یک به همین شکل قابل توضیح است و مصوت «ای» - به تنهایی - نمی‌تواند این تفاوت را توضیح دهد.

در گستره‌ی تحول ادبیات، به کارگیری خط جدید و پالایش زبان و اجتناب از کلمات بسیار بیگانه، عواملی برای آغاز راه و شرط‌های لازم بود ولی شرط کافی را شاعران و نویسندگان به

این عوامل افزودند که در حوزه‌ی شعر - بنا به ترتیب تاریخی - باید به ناظم هیکمت Nâzım Hikmet و اورهان ولی اشاره کنیم.

در پراکنش این نکته را نیز بیفزاییم که من به نوع تلفظ کاربران هر زبانی احترام خاصی قایلیم و این نکته را بارها در گفته‌ها و نوشته‌هایم توضیح داده‌ام لذا نمی‌توانم ناظم هیکمت را ناظم حمت بنویسم یا بخوانم چرا که کاربران اصلی این عبارت، آن را به همان شکل - یعنی ناظم هیکمت - تلفظ می‌کنند. بر همین اساس سایر نام‌ها نیز برای من همین مصداق را دارد و در ادامه سایر نام‌ها را به همان شکل اصلی به کار خواهم برد. با این تمهید گرامر، به گفتار پیشین برمی‌گردم: شعر ترکیه تا قبل از دور جمهوری به دو نوع یا دو گونه‌ی شعری تقسیم می‌شد: ۱. شعر دیوانی یا شعر رسمی و مکتوب ۲. شعر فولکلور یا شعر مردمی و شفاهی. در خصوص شعر فولکلور - مثل بسیاری از زبان‌ها نمی‌توان از شعر مشخصی نام برد که این شعرها را سروده باشد اما در حوزه‌ی شعر مکتوب می‌توانیم به شاعرانی مثل یوسف هاس حاجب به ساغونی Yusuf Hass Hajib Belasağuni یا حسن رفسف خاص حاجب بلاساغونی، ادیب آهمت یوکنکی Edip Ahmet Yükenki، هوجا آهمت فقیه hocâ Ahmet fakih یا همان خواجه احمد فقیه، یونوس امره یا همان یونس امره Yunus Emre، پیر سلطان ابدال Sultan Abdal و کاراجاوغلان Karacaoğlan اشاره کنیم که به اقتضای خط و زبان - که پیش از این توضیح دادم - این نوع شعری بر از تکلف‌ها و در نتیجه پر از دست‌اندازه‌است. این کاستی‌ها

علاوه بر خط و زبان پالایش نیافته‌ی ترکیه در آن دوره‌ها، به این نکته نیز ارتباط دارد که اساس موسیقایی زبان استانبولی به نظام هجایی وابسته است نه به نظام عروضی. این نکته در شعر فولکلور رعایت می‌شد اما در شعر مکتوب یا رعایت نمی‌شد و یا کم‌تر مورد دقت قرار می‌گرفت لذا تکلف‌ها و دست‌اندازها - و حتا گزیده‌برداری‌های ناخواسته‌ی شاعران از سایر زبان‌ها - در این نوع شعری بسامد بالایی داشت.

در بین شاعران ترکیه، ناظم هیکم نخستین شاعری بود که با شعر نو آشنا شد و توانست نظام شعر خود را متحول کند. البته قبل از او شاعرانی دیگر - و از جمله یحیا کمال بیاتلی *Yahya Kemal Beyatli* - گرایش‌هایی به تحول را در شعر خود نشان داده بودند اما ناظم هیکم نخستین شاعری بود که توانست بعد از آشنایی با شعر روسیه و به ویژه بعد از آشنایی با شعر ویدیمیر مایاکوفسکی *Vladimir Mayakovsky*، تحول را به شکل‌های جدیدتر تجربه کرد، به عبارت دیگر او متوجه شد که می‌توان شعری سرود که زیبایی شناسی خاص دوره‌ی خود را داشته باشد. کشف این نکته و به کارگیری آن نخستین گام اصلی در تحول شعر ترکیه بود. بر همین اساس است که کتاب ۸۳۵ سطر ۸۳۵ *Sati* - سروده‌ی ناظم هیکم - را نقطه‌ی عزیمت تحول شعر ترکیه به حساب می‌آورند. اما این شیوه، رعایت کردن و به کارگیری همه‌ی ظرفیت‌ها نبود و شعر ترکیه بعد از تحول پیش‌نهادی ناظم هیکم، به تحول‌های بعدی - و از جمله تحول بزرگی که اورهان ولی پیش‌نهاد کرد - نیازمند بود.

اورهان ولی در سال ۱۹۱۴ در استانبول دیده به جهان گشود و در سال ۱۹۵۰ یعنی در ۳۶ سالگی چشم از جهان فرو بست. پدرش نوازنده بود و مادرش از خانواده‌یی اشراف‌زاده. در سال ۱۹۲۳ که نظام حکومتی ترکیه به جمهوری تغییر یافت، اورهان ولی در مدارس استانبول درس می‌خواند و این پیش از تبدیل حروف عربی به حروف لاتین بود. این رهایی از نظام سنگ‌شده‌ی قدیم، بر تئمی نسل‌ها - و از جمله اورهان ولی - تأثیر گذاشت. او بعد از آن راهی آنکارا شد و در دوره‌ی دبیرستان با دو شاعر مهم یعنی «اوکتای ریفات» با نام کامل «اوکتای ریفات هورررچو» Oktay Rifat Horozcu - که در ایران به «اوکتای ریفات» معروف است - و «ملیح جودت» با نام کامل «ملیح جودت آندای» Melih Cevdet Arday آشنا شد که این سه نفر بعد از جریانی شعری با نام گاریپ Garip - یا همان «غریب» - به راه انداختند که توضیحات بیش‌تر را در ادامه‌ی این گفتار علاوه بر این خواهد کرد.

اورهان ولی بعد از دوره‌ی دبیرستان به استانبول برگشت و در دانش‌گاه و در رشته‌ی فلسفه ادامه‌ی تحصیلاتش داد اما تحصیلاتش را نیمه تمام رها کرد. او بعد از خدمت سربازی، مدتی در بخش مدیریت پست و تلگراف و بعد از آن نیز مدتی در اداره‌ی آموزش و پرورش ترکیه و در بخش ترجمه مشغول به کار شد، اما استعفا کرد و نشریه‌ی ادبی به نام یاپراک Yaprak به معنای برگ را به دست انتشار سپرد. در نخستین شماره‌ی این نشریه شعر معروف آلیش وریش Aliş Veriş به معنای

خرید و فروش سروده‌ی صباح‌الدین ایوب‌اوغلو Sabahattin Eyüboğlu یا همان صباح‌الدین ایوب‌اوغلو چاپ شد. انتشار این نشریه در ۲۸ شماره تداوم داشت و آخرین شماره‌ی آن یعنی شماره‌ی ۳۹ با نام سون یاپراک son Yaprak به معنای آخرین برگ ویژه‌نامه‌یی برای اورهان ولی بود که به همت صباح‌الدین ایوب‌اوغلو و دیگر دوستان‌اش، بعد از مرگ اورهان ولی به چاپ رسید.

همان‌گونه که گفتیم اورهان ولی بعد از آشنایی با اوکتای شاکر، روح جودت دست به کار شد و جریان شعر گاریپ را به‌گذاری که زبان پرنطنه‌یی که در آن دوره بر شعر ترکیه سایه انداخته بود برای مردمی شدن شعر کارایی کافی را نداشت و اورهان ولی و دوستان‌اش این نکته را با تیزهوشی دریافته بودند در نتیجه نخستین تحول شعری را بعد از تحول پیش‌نهادی ناطیم هیکمت رایه دادند. از این روی، تاریخچه‌ی تحول در شعر ترکیه، بعد از نام ناطیم هیکمت با نام اورهان ولی و دوستان‌اش گره خورده است. این برپا، مهم را اصطلاحاً «نسل اول شعر نو» نام داده‌اند که البته به جریان شعر «گاریپ» - یا همان غریب - نیز مشهور است.

اورهان ولی و دوستان‌اش با سربلندی از نسام سیکش‌های زیبایی‌شناختی شعر، روح تازه‌یی به کالبد شعر ترکیه دمیدند، همان‌گونه که پیش از این اشاره کردم اورهان ولی عمری کوتاه داشت و متأسفانه دوستان‌اش بعد از مرگ او، به پیش‌نهادهای خودشان وفادار نماندند و حوزه‌های دیگری را تجربه کردند. البته این افتراق و این به اصطلاح بی‌وفایی چیزی از اهمیت کار دسته‌جمعی آنان در آن دوره‌ی مهم ادبی کم نمی‌کند و نام این

سه شاعر - و به ویژه اورهان ولی که از دو شاعر دیگر مهم‌تر
و کارآمدتر بود - در تاریخ تحول شعر ترکیه ثبت شده است.

۴

اورهان ولی آثار متعددی دارد:

۱. غریب Garip مجموعه‌یی از شعرهای او و اوکتای ریفات
و بیچ - ویت - که در سال ۱۹۴۱ منتشر شد - و سرآغاز
هفتاد و پنج ساله‌ی ادیب به حساب می‌آید

۲. آن پست تو باشم از آن بگذرم Vazgeçemediğim ،
مجموعه‌ی شعر، ۱۹۴۸

۳. هم‌چون حماسه Destan G'oi ، مجموعه‌ی شعر، ۱۹۴۶

۴. یک نوع جدید Ferisi ، مجموعه‌ی شعر، ۱۹۴۷

۵. روبه‌رو Karşı ، مجموعه‌ی شعر، ۱۹۴۹

۶. حکایت‌های ملانصرالدین Hoca Nasretin
Hikayeleri ، ۱۹۴۹

البته مجموعه‌هایی هم پس از مرگ او به چاپ رانیده‌اند که من
از بین مجموعه‌های شعر او، آثاری را انتخاب کرده‌ام که ده‌ام
که بیش‌تر از سایر شعرها قابل ترجمه بوده‌اند. در بین همین
شعرها باز می‌توانم با مصداق به مواردی اشاره کنم که به سبک
ترجمه، روح شاعرانه‌ی خود را به زبان مقصد منتقل نکرده‌اند.
هر زبانی اصطلاح‌ها، کنایه‌ها و امکاناتی دارد که ممکن است به
هنگام ترجمه انتقال پیدا نکنند یا آن‌که احتمال دارد کیفیت شعر
به هنگام ترجمه - ناخواسته - به تطویل بینجامد. برای مثال

به یک اصطلاح اشاره می‌کنم: Sokak Kedisi اصطلاحی در زبان استانبولی‌ست که اورهان ولی نیز آن را در شعری به نام Kuyruklu Şiir به معنای شعر دُم‌دار به کار برده است. ترجمه‌ی تحت‌اللفظی این عبارت «گربه‌ی کوچه» است، یعنی گربه‌یی که کسی از او حمایت نمی‌کند و در نتیجه خودش باید به فکر غذا و لانه باشد. آیا می‌توانیم این اصطلاح را همان گربه‌ی کوچه ترجمه کنیم؟ آیا می‌توانیم بنویسیم: گربه ول که در آن صورت معنای منفی می‌گیرد! آیا بنویسیم: گربه‌ی کوچه‌ها؟ یا بنویسیم: گربه‌ی خیابان‌ها؟ یا بنویسیم: گربه‌ی خیابانی؟ بی‌بینیم که هیچ یک از این تعبیر نمی‌تواند ایجاز و زیبایی این تعبیر را به هنگام ترجمه حفظ کند، به ویژه آن‌که منظور اورهان ولی از این اصطلاح در این شعر خاص، آزادی و عدم وابستگی چنین گربه‌یی‌ست و مقصود او نوعی ویژگی مثبت و نوعی امتیاز خاص است. من به هنگام ترجمه - به ناچار - نوشته‌ام: گربه‌ی بی‌دُم پناه کوچه‌ها تا در عین حال که بیان شاعر را منتقل می‌کنم تصور و را نیز توضیح دهم اما باز هم از این تعبیر چندان راضی نیستم و اصولاً اعتقاد دارم که ما به هنگام ترجمه‌ی شعر، چیزی کم‌تر از نصف امکانات و زیبایی‌ها را منتقل می‌کنیم و البته باید به همین حد بسنده کرد و گرنه باید از ترجمه‌ی شعر چشم پوشید